

## معرفی و نقد کتاب

Neumann Iver .B and ole Waver, **The Future of International Relations: Masters in the Making?**,  
New York: Routledge, 1997: 380

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۵/۳۰

تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۶/۱۶

### مقدمه

سال‌هاست که محققان روابط بین‌الملل در تلاشند تا تقسیم‌بندی مناسبی از نظریه‌های روابط بین‌الملل ارائه دهند تا مطالعه و ارائه تحلیل و بحث در این رشته با سهولت بیشتری انجام شود. در این بین به دلیل ماهیت این رشته به مانند سایر رشته‌های علوم انسانی این تقسیم‌بندی‌ها معمولاً به دلیل همپوشانی نظریه‌ها با غموض همراه است و این کار محققان را دشوار ساخته است. کتاب «آینده روابط بین‌الملل» تلاشی است از سوی دو تن از محققان برجسته حوزه روابط بین‌الملل تا بتوانند با معرفی ۱۲ تن از برجسته‌ترین اندیشمندان روابط بین‌الملل و تحلیل آرا و نظرات ایشان مکاتب و تئوری‌های روابط بین‌الملل را تشریح کنند.

### ۱- محتوا و مباحث مطرح شده در کتاب

کتاب مشتمل بر چهارده فصل است و گردآورندگان سعی کرده‌اند تا از هر مکتب نظری در روابط بین‌الملل یکی از برجسته‌ترین متفکران آن را معرفی کرده؛ آرا و نظرات آن را تشریح کنند.

فصل اول کتاب با عنوان "شخصیت‌های برجسته روابط بین‌الملل: معرفی شخص بجای پارادایم" توسط اول ویور از نویسندگان کتاب به رشته تحریر در آمده است. در این فصل نویسنده غرض از تألیف کتاب را بیان می‌کند و بر لزوم معرفی شخصیت‌های اصلی روابط بین‌الملل و بررسی نظریه‌ها در قالب شناخت شخصیت‌ها و متفکران تأکید می‌ورزد. در ادامه ویور تلاش می‌کند تا با بررسی مناظره‌های اصلی روابط بین‌الملل و تبیین چارچوب کلی نظریه‌های روابط بین‌الملل مخاطب اثر را برای درک هرچه بهتر فصول بعد آماده سازد.

فصل دوم به قلم دیگر گردآورنده کتاب سعی می‌کند تا با معرفی "جان وینسنت" یکی از مهمترین نظریه‌پردازان مکتب انگلیسی یا جامعه بین‌الملل و در قالب تحلیل نظریه‌های وی، مکتب انگلیسی را مورد بررسی قرار دهد.

فصل سوم به بررسی نظریه‌های "کنت والتز" پرداخته و سعی می‌کند تا نورثالیسم را در قالب نظریه‌های والتز مورد بررسی قرار دهد. از نظر نویسنده از آنجا که نورثالیسم در اواخر قرن بیستم به پارادایم غالب در روابط بین‌الملل تبدیل شد انتقادهای فراوانی را به سوی خود جلب کرد که در این فصل به برخی از آنها پرداخته شده است.

فصل چهارم کتاب به رابرت "کیوهان" پرداخته است. در این فصل به بررسی نظریه‌های کیوهان، نولیبرالیسم و علی‌الخصوص نهادگرایی نولیبرال پرداخته شده است. فصل پنجم کتاب در قالب بررسی نظریه‌های "رابرت گیلپین" به بررسی مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل و مکتب نومرکانتلیسم در روابط بین‌الملل می‌پردازد. در این فصل تلاش شده تا جایگاه دولت‌ها در رشد اقتصاد ملی و جهانی مورد بررسی قرار گیرد.

فصل ششم با معرفی "برتراند بادی" از سیاست مقایسه‌ای و جایگاه آن در مطالعه روابط بین‌الملل سخن می‌گوید. در این فصل به جایگاه مطالعات فرهنگی و تاریخی و نقش آن در تحولات رشته روابط بین‌الملل پرداخته شده است.

فصل هفتم با بررسی نظرات "جان راگی" که سعی در تبیین نظرات مطرح شده از سوی او در باب نئورثالیسم و نظریه‌ها بازتابی دارد. ویور در این فصل از اهمیت و جایگاه مباحث متنوع مطرح شده توسط راگی سخن می‌گوید.

فصل هشتم تلاش می‌کند تا نقش و اهمیت "هیوارد آلکر" را در رشد نظریه‌های بازتابی بیان کند. از دیدگاه ویراستاران به دلیل این نقش وافر است که یک فصل از کتاب به بررسی نظرات آلکر پرداخته است.

فصل نهم به بررسی نظرات "نیکلاس اوناپ" پرداخته است. در این فصل سازنده‌گرایی ایستار و پویا از دید نظریه‌های اوناپ مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

فصل دهم نیز در قالب بررسی نظرات "الکساندر ونت" تلاش می‌کند تا تفسیر دیگری از سازنده‌انگاری را تبیین کند. در این فصل تحول نظری سازنده‌گرایی در قالب نظرات ونت قدیم (سازنده‌گرایی بر مبنای رئالیسم) و ونت جدید (تعامل اجتماعی بر مبنای سازنده‌گرایی) مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل یازدهم نیز به بررسی دیدگاه‌های "جین الشتاین" می‌پردازد. از آنجا که الشتاین از برجسته‌ترین متفکران فمینیست به حساب می‌آید در این فصل نظرات وی در باب ریشه‌های فمینیسم، علل و عوامل پدید آمدن آن و جایگاهی که زنان در روابط بین‌الملل می‌توانند داشته باشند مورد تحلیل و بررسی واقع شده است.

فصل دوازدهم با بررسی نظرات "بی جی واکر" به عنوان یکی از جدی‌ترین نظریه‌پردازان پسا مدرن، سعی می‌کند تا نظریه‌های ساختارشکنانه ایشان را در مورد اصلی‌ترین مفاهیم روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار دهد.

فصل سیزدهم کتاب به بررسی آخرین اندیشمند برجسته از دیدگاه این کتاب می‌پردازد: "جیمز دردریان". به زعم نویسنده قلم دردریان بسیار رمز آلود و ثقیل است. وی که از متفکران پسا مدرن به حساب می‌آید، اصولاً با تعاریف سنتی و کلاسیک حوزه روابط بین‌الملل سر ستیز داشته و سعی می‌کند تا مفاهیم سنتی را در قالب‌های پسامدرن مورد بازبینی قرار دهد. و در نهایت فصل چهاردهم کتاب سعی می‌کند تا به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری آنچه در فصول قبل مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته بود، بپردازد و نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل را مورد نقد و بررسی قرار دهد.

## ۲- نقد اثر

بررسی نظریه‌پردازان برجسته یک رشته و تحلیل آرا ایشان اگرچه در بسیاری از رشته‌های علمی سابقه دارد اما تلاش نویسندگان این اثر در معرفی یک متفکر به عنوان نماینده یک مکتب فکری و بررسی، تحلیل، و نقد نظرات وی، بی شک نوعی خلاقیت به حساب می‌آید. مطالعات روش‌های آموزشی نشان می‌دهد که ایجاد طبقه‌بندی ذهنی و فراگیری بر محوریت اشخاص بسیار سریعتر و پایدارتر از مفاهیم انتزاعی صورت می‌پذیرد. از این رو نوع رویکرد نویسندگان در استفاده از چهره‌های برجسته هر مکتب روابط بین‌الملل برای تبیین آن مکتب یکی از مهمترین نقاط قوت کتاب به حساب می‌آید.

با مطالعه هر فصل مخاطب اثر با نظرات یکی از چهره‌های برجسته روابط بین‌الملل و مکتب فکری که آن متفکر به آن تعلق دارد آشنا می‌شود. اما نکته شایان توجه در بسیاری از فصول این است که ضمن بررسی نظرات هر متفکر، نظر منتقدان نیز به اختصار ذکر شده و این سبب غنای هر چه بیشتر اثر گشته است. اگرچه آثاری که نظریه‌های روابط بین‌الملل را تبیین می‌کنند هر یک ارزش و اهمیت خاص خود را دارند، اما در مقام مقایسه این اثر در عین

اختصار به خوبی مخاطب خود را با مناظره‌ها و مباحث نظری جاری در روابط بین‌الملل آشنا می‌سازد و این غنای اثر در کنار اختصار آن از نقاط قوت دیگر این اثر به حساب می‌آید.

از دیگر نقاط قوت این اثر انسجام و یکپارچگی اثر است. اگرچه این کتاب در واقع مجموعه مقالاتی است که به قلم نویسندگان متعدد نوشته شده است، اما به دلیل دقت ویراستاران در آماده کردن ذهن مخاطب و همچنین به دلیل انتخاب دقیق و چینش مناسب مقالات، مخاطب اثر دچار سردگمی در اثر نمی‌شود و خط سیر مطالعه اثر را تا پایان دنبال خواهد کرد. و این نیز از دیگر نقاط قوت اثر است. مهمتر از همه اینکه با مطالعه اثر در می‌یابیم که نویسندگان کتاب در نهایت موفق شده‌اند تا ایده خود را در باب اهمیت بررسی متفکران، به دلیل نقش آنان در ساختن این رشته به خوبی دفاع کنند و ایده "بررسی متفکران بجای بررسی مکاتب" با مطالعه این اثر، ایده‌ای قابل توجه به نظر خواهد رسید.

اما در کنار نقاط قوت فراوان و شایان ذکر اثر، شاید بتوان برخی از موارد را به عنوان نقاط ضعف این اثر در نظر گرفت که البته برخی از موارد اجتناب‌ناپذیر نیز به نظر می‌رسد. همان‌گونه که ویراستاران خود نیز در فصل اول بدان اشاره می‌کنند انتخاب یک متفکر به عنوان نماینده یک مکتب فکری امری بسیار سخت است و این سؤال را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند که چرا این متفکر و آن نه؟ این خود سبب شده تا در برخی موارد انتخاب ویراستاران اثر چندان مناسب به نظر نرسد. به عنوان مثال انتخاب کیوهان به عنوان نماینده نولیبالیسم این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که چرا کیوهان و نه روزنا؟ آیا در حالی که بزرگانی چون اشلی و کراتوکویل از قلم افتاده‌اند انتخاب برتراند بادی به عنوان یکی از ستون‌های روابط بین‌الملل انتخابی شایسته بوده است؟

نقد جدی دیگری که به این اثر وارد است از قلم افتادن برخی از مهم‌ترین مباحث نظری و متفکران برجسته آن می‌باشد. به راستی آیا شایسته نبود که مکتب انتقادی و نظریه‌پردازان برجسته آن چون هابرماس در یک فصل به طور مجزا مورد بررسی قرار می‌گرفتند؟ با این حال نقاط قوت و غنای اثر به حدی است که این نقاط ضعف جزئی؛ به هیچ عنوان از اهمیت و ارزش آن نمی‌کاهد و مطالعه آن برای دانشجویان دوره کارشناسی ارشد و دکتری رشته روابط بین‌الملل و علوم سیاسی توصیه می‌شود.

تهیه و تدوین: محمدرضا اقارب‌پرست

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا